

همیشه به یاد خدا

www.ketabo.ir

پارسوا، عباس، ۱۳۱۹ -
معمای هستی / عباس یارس و... - تهران: قوانین، ۱۳۸۴.
۲۵۴ ص:، بصور.

ISBN 964-6310-71-0 ریال ۳۷۰۰۰

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
ص.ع. به انگلیسی: A. Parsva. Existence puzzle.
کتابنامه: ص. ۲۴۷ - ۲۴۹: همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.

۱. هستی شناسی. ۲. هستی شناسی (فلسفه اسلامی). ۳. شناخت
(فلسفه). ۴. شناخت (فلسفه اسلامی). الف. عنوان.

۱۱۱

BD ۲۱۸ / ۲۲

کتابخانه ملی ایران

۸۴-۴۱۰۲۴ م



انتشارات قوانین

معمای هستی

نویسنده: عباس یارس و...

نوبت چاپ: اول / تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

ناشر: قوانین / چاپ: قوانین

قیمت: ۳۷۰۰۰ ریال / تعداد صفحات: ۲۵۴ وزیری

صحاف: کهنمویی / تاریخ انتشار: ۱۳۸۵

شابک: ۹۶۴ - ۶۳۱۰ - ۷۱ - ۰

حقوق چاپ و نشر برای نویسنده محفوظ است

(صندوق پستی ۴۹۱ - ۱۶۵۳۵ تهران)

عنوان	فهرست نوشته ها	صفحه
پیش در آمد.....	۷.....	
آغاز سخن.....	۱۵.....	
پیشگفتار.....	۱۶.....	
بخش اول.....	۱۹.....	
هستی و نیستی.....	۲۱.....	
هستنده های پیرامون انسان.....	۲۴.....	
فلسفه « معرفت شناخت ».....	۲۷.....	
علت و معلول.....	۳۳.....	
پیدایش و ساختار جهان هستی.....	۳۹.....	
« اشاره اول » نظریات پیش از میلاد.....	۴۱.....	
« اشاره دوم » نظریات پس از میلاد.....	۷۳.....	
نظریات دانشمندان ایرانی و اسلامی.....	۹۵.....	
بنیاد ساختار جهان لایتناهی.....	۱۰۵.....	
بخش دوم ..	۱۱۵ ..	
ماده چیست.....	۱۱۷.....	
جان یافتگان.....	۱۲۷.....	
انسان.....	۱۴۹.....	
دانش « علم ».....	۱۶۹.....	
اندیشه « تعقل ».....	۱۷۳.....	

عنوان	فهرست نوشته ها	صفحه
بخش سوم	۱۸۳.....	
مبادی اعتقادی انسان	۱۸۵.....	
باوریهای دیرینه	۱۸۹.....	
اسطوره ها و افسانه ها	۱۹۶.....	
روح « ماهیت ، روان »	۲۱۵.....	
گفته هائی درباره روح	۲۱۶.....	
روح در نگرش دیگر	۲۳۲.....	
نتیجه	۲۳۷.....	
منابع و مأخذ	۲۴۵.....	
نشانی نام ها	۲۵۱.....	

پیش در آمد

روش دستیابی به قوانین ثابت در علوم، روش تجربی است و دانشمندان معتقدند که بحواس انسان میتوان اطمینان کرد و تجربه و آزمایش روش مطمئن برای کشف اسرار طبیعت است. اصولی همچون واقعیت داشتن جهان، قابل شناخت بودن طبیعت، درستی روش تجربه و آزمایش، یکسان عمل کردن طبیعت و بالاخره تبعیت هر موجود است از اصل علیت پایه ها و ارکان علوم هستند. این اصول در قلمرو فلسفه است که میتواند عهده دار تحقیق در مبانی و اصول و تکیه گاههای علوم بوده و برای آن شالوده های مطمئن ایجاد کند.

هرگاه موضوعی جدید باروش عقلی و منطقی مورد شناخت و شناسائی قرار گیرد، کار و عملی فلسفی صورت گرفته است.

بحث شناخت و یا بحث معرفت یکی از بحثهای مهم فلسفه است که در آن سخن از حقیقت ذهن آدمی و قواعد آن در شناخت عالم خارج به میان می آید.

بنابر این بطور کلی فلسفه را میتوان، کوشش برای فهم علت حقیقی رویدادها از

درک مبانی و اصولیکه علوم تجربی و علوم انسانی بر آنها استوار شده است؛ دانست نگاه فلسفی نگاهی ریشه یاب است و فیلسوف همواره میکوشد تا پی به بن و باطن پدیدارها ببرد.

اشیاء گوناگون با آنکه در خصوصیات گوناگون فرق دارند ولی در یک چیز مشترکند و آن «هستی» است. «بودن» و «هستی داشتن» قوانین و قواعد دارد که فلسفه اولی یا «مابعدالطبیعه» در پی یافتن و تبیین آن قوانین و احکام است.

فلاسفه با مشاهده تغییرات گوناگون در موجودات، با این پرسش خود را روبرو میبند که آیا اصل هستی موجودات هم متغیر است؟ زیرا در علوم با تغییرات گوناگون کمی و کیفی از سوئی و تجزیه و ترکیب از سوی دیگر، حرکت از طرفی و سکون از طرف دیگر روبرو شده اند که پاسخ هر یک را در علوم گوناگون شیمی، فیزیک، مکانیک و ... می یابیم. اما پاسخ سوال «هستی چیست» را چه علمی باید بدهد. اصولاً پاسخ سئوالات «هستی» و «چیستی» و تحقیق در رابطه علت و معلول در اصل وجود و بحث «وحدت و کثرت» از بحثهای مابعدالطبیعه است.

فلسفه اولی سراسر هستی را عرصه مطالعه خود قرار داده تا به توضیح و تبیین عقلانی قوانین آن پردازد. بسیاری از تاریخ نویسان فلسفه بر این باورند که تفکر اندیشه بشر پیرامون هستی و چیستی آن از جهتی و آغاز و فرجام آن از سوی دیگر نشأت گرفته از اعتقادات دینی بوده و چون بگفته ویلدورانت، مشرق زمین گاهواره تمدن و مهد ادیان است، شروع این مباحث را باید در مشرق زمین جستجو کرد و یافت.

اما امروزه مجموعه های فلسفی بیادگار مانده چون بیشتر از یونان باستان به ارث رسیده است، به همین علت یونان را مهد تفکر میدانند یعنی جاییکه فلسفه در آنجا رسمیت یافت و اسطوره و افسانه جای به تعقل و اندیشه سپرد.

همانگونه که نویسنده محترم آورده، در حدود شش سده پیش از میلاد در ایونیا Ionia مباحث فلسفی پایه گذاری شد و آنچه فکر فیلسوفان را برای مدتهای دراز بخود مشغول داشت، دگرگونیهای جهان طبیعت و موجودات آن بود که زندگی و مرگ با هستی و نیستی، یکی از مهمترین پرسشهای پیش روی این دانشمندان بود که هریک در چهار جوب مرجع «Frame of Refrence» خود کوشش در تشریح و تبیین این دگرگونیها و علل آن داشتند که میتوان بعنوان نمونه از تالس (۶۰۰ ق. م Thales) آناکسیمندر (۵۴۶ - ۶۱۰ ق. م Anaximander) هراکلیتوس (۴۸۶ ق. م Herakletios)، پارمنیدس (۴۴۰ ق. م Parmenides)، امپدکلس یا انباذقلس (۴۴۰ ق. م Empedicles) دموکریتوس یا ذیمقراطیس، (۴۶۰ ق. م Democritos) را باید نامبرد که هر کدام سیستمها و مکاتب متفاوتی را بر بنیاد نگرشها و ادراکات خود بنیان نهادند.

اندیشمندان مسلمان در مورد معماهای هستی و طبیعت و کیهان بحث کرده اند که نقل همه نظریات آنان، از ظرفی بسیار مشکل و از سوئی دیگر مطول است که میتوان به ذکر نام آنها اکتفا کرد مانند حکمای اسماعیلیه، معتزله، ابو حامد محمد بن احمد غزالی، ابن رشد، ابن طفیل، ابن خلدون، ابن باجه و... زندگی تا قبل از زمان داروین، تاریخ پیدایش مخلوقات را ناگهانی و یک مرحله فرض میکردند. یعنی تصور مینمودند که در زمانهای بسیار بسیار کهن، انسان، حیوانات و نباتات بهمین شکل و صورت فعلی در روی کره خاکی زمین یکمرتبه و در یک مرحله (نه تدریجی) پیدا شده اند و مخلوقات فعلی بجهه های همان موجودات هستند.

در اثر تحقیقات و تجسسات سنوات اخیر چنین نظر میرسد که میلیارد ها سال قبل، زندگی در آغاز بصورت ابتدائی و ساده روی کره زمین پیدا شده و سپس رو

بتکامل رفته است .

اصل و شروع زندگی از سه نظر مذهبی ، فلسفی و علمی مطرح و مورد بحث پیدایش ناگهانی موجودات زنده گرفته است . طبق این نظر ، زندگی بطور مطلق از جماد و بیجان سرچشمه میگرفته است . سالیان دراز این نظریه معمول و لی مدون نبود تا ارسطو نظریات ، مختلف اقوام چینی ، مصری و هندی زمانهای قدیم را جمع آوری و بصورت فرضیه پیدایش ناگهانی (Generation Spontanee) آنرا تدوین و ارائه نمود که تا حدود سه سده پیش ، مورد قبول علماء بود تا اینکه پس از تجربیات پاستور صحت یکمرتبه پیدا شدن جانداران از جماد مورد تردید بیشتر دانشمندان واقع شد .

پاستور سر منشأ وואحد زندگی را سلول میداند که باز مثل وضع قبلی ناگهان و بدون پیش در آمد ظاهر گشته است . در فرضیه های جدید پیدایش شروع زندگی جهان در آغاز از ساده ترین ذرات بیجان یعنی الکترون و پروتون تشکیل شده بود سپس با گذشت زمانهای بسیار طولانی ، زندگی را بصورت امروزی تشکیل داده اند . اسید آمینه ها ریشه و مایه ساختمان پروتئین است ، یعنی تمام چیز هایی که جاندار بآن نیاز دارد تمام پروتئینها که ماده اساسی زندگی هستند ، از تجمع اسید آمینه ها ساخته میشوند . باید دانست که پروتئین ، ملکولی است حیوانی و بسیار درشت که برای ساختمان هر موجود زنده ، بکار میرود .

با اینکه نویسنده اشاره کوتاهی به نقش اسطوره در راستای اعتقادات انسانهای گذشته کرده است ، اما بنظر میرسد که لازم به توضیح بیشتری در این باره باشد . اسطوره آغاز مرحله تفکر بشری و نخستین جهان بینی است که برای شناخت جهان پرداخته شده است . اسطوره ها نه افسانه هائی بر ساخته بشر ، بلکه حقایقی ژرف و نمادین اند . از این رو اسطوره بنیادی ترین مؤلفه تاریخ فرهنگ یک جامعه و قوم

است. تصاویری که اسطوره ارائه می‌دهد نه بمنزله تصویر بلکه بمنزله واقعیت شناخته میشوند. یعنی گروهی از مردم یا کل یک قوم به حقیقت این تصاویر اعتقاد دارند. اسطوره میان تصویر هر شیئی و خود شیئی فرقی قابل نمیشود.

لوی برول، تفکر اسطوره ای را تفکر پیش منطقی میدانست. از نظر او در این شیوه تفکر، آن قواعدی که رعایتشان در تفکر استدلالی ضرور است، وجود نداشته خصوصاً "در این شیوه تفکر اصل امتناع تناقض همیشه نقض مینگردد. یعنی یک چیز میتواند در عین حال هم خودش باشد و هم چیزی غیر خودش و بدین ترتیب میان اندیشه اسطوره ای و اندیشه علمی تقابل وجود دارد.

شلینگ که مقدم بر همه دانشمندان به مطالعه اسطوره پرداخته است، معتقد است که ساختار اندیشه معمولی انسان، اسطوره است. یعنی انسانی که تربیت علمی ندیده باشد شیوه تفکرش اسطوره ای است. او تفکر اسطوره ای را تفکر تمثیلی نمیداند بلکه آنرا تفکری قائم به ذات می‌شناسد.

آنگاه که پای اعتقادات بشر در میان باشد، عواطف او بر عقلش چیره میشوند و در اینجا تفکر اسطوره ای دست بالا را پیدا میکند ولی وقتی مسائلی مطرح باشند که با احساسات بشر ارتباط مستقیمی نداشته باشند، اندیشه علمی میتواند بر اندیشه اسطوره ای غلبه کند.

البته تعریف قطعی که مورد قبول همه اسطوره شناسان باشد، برای اسطوره در دست نیست. یکی میگوید: «اساطیر داستانهای در باره خدایان هستند. هرکس در باره اساطیر سخنی گوید باید در باره خدایان نیز سخن گوید» مقولاتیکه اندیشه علمی برای ساختن فرضیه های خود بکار میبرد و مقولاتی که اندیشه اسطوره ای بکار میگیرد، فقط از لحاظ مدل فرق دارند.

و باز باید گفت که اسطوره نوعی جهان بینی و شیوه تفکر است. لذا در اساطیر

یونان، شیوه تفکر یونانی و در اساطیر مشرق زمین، شیوه تفکر مشرق زمین هویدا است. باز اضافه کنم که اساطیر یونانی تأثیر مستقیم بر اساطیر ایرانی نداشته و تأثیر یونان بیشتر در بعد فلسفه و اندیشه بوده است. تأثیر اندیشه ارسطو و نو افلاطونیان بر اندیشه و فرهنگ ایرانی بیش از تأثیر اساطیر یونان بوده، لیکن میتوان به همانندیهای میان اسطوره های یونانی و ایرانی برخورد و همیشه در اساطیر جهان میتوان به همانندیهای برخورد. اساطیر ایرانی بیشتر با اساطیر هندی هم‌ریشه و تحت تأثیر آنست. از همانندیهای اساطیر یونان و ایرانی میتوان چند نمونه ذکر کرد. مثلاً "بیان شخصیت اسطوره ای آرکاس پسر زئوس و هوشنگ و فریدون شباهتهایی میتوان یافت. آرکاس کشت گندم، تهیه نان و پشم ریزی را به مردم می آموزد. هوشنگ نیز چنین میکند. از سوئی آرکاس سر زمین خود را میان سه فرزندش تقسیم میکند در ایران نیز فریدون سرزمین خود را میان سلم، تور و ایرج بخش میکند. یا مثلاً "میان مینوس و ضحاک، میان پریام و لهراسب یا آشیل و اسفندیار شباهتهایی هست.

در آثار شیخ شهاب الدین سهروردی که فیلسوف اشراقی و ایرانی است، به رگه های اساطیری بر میخوریم. او در تبیین آرای خود از بن مایه های اساطیری کمک میگیرد. عقل و آوار پر جبرئیل آثاری با مضامین اساطیری اند. در عقل سرخ زاوی به گونه شاهینی آفریده میشود که اسیر صیادان قضا و قدر است. به پیری سپید موی بر میخورد که اولین فرزند آفرینش بود و از کوه قاف میآمد. مضامینی اساطیری و نمادین مثل گوهر شب افروز، زره داودی، چشمه آب حیات و غیره در جای جای این اثر وجود دارد. وجه سیمرغ را نیز نباید نادیده گرفت. بن مایه اصلی عقل سرخ، همان هبوط روح در قالب اسارت شاهین است. در آثار دیگر سهروردی به دورن مایه های اساطیری ایرانی، زیادی بر میخوریم، مثلاً "امشاپسندان و غیره.

میراث اساطیری در شخصیت‌های دیگر عصر اسلامی ایران نیز وجود دارد. مانند منطق الطیر عطار، اسطوره سیمرغ و وجه رمز آمیز و نمادین جبرئیل.

اساطیر ایرانی خاص ایران پیش از اسلام نیست بلکه در عصر اسلامی نیز اساطیر ماندگار و گسترده‌ای وجود دارد، مثل حی بن قفطان ابن سینا، سلامان و ابسال جامی و ... و مهمترین آنها شخصیت‌های اسطوره‌ای شاهنامه فردوسی.

آخرین مطلب اینکه، از جمله ویژگی‌ها و خصایص موجب تفاوت انسان از سایر موجودات هستی، وجود عقل است. توجه براین نکته مهم و ضروری است، از ابتدای آفرینش هستی، خداوند، امانت (یعنی امانت اراده آزاد و آزادی اختیار) را بر همه مظاهر هستی عرضه داشت. اما آنها از تحمل آن سر باز زدند و از ترس مسئولیت آن از پذیرش ابا کردند اما انسان بار این امانت را بر دوش گرفت. تنها انسان بود و نه سایر مخلوقات که به تحمل امانت «آزادی اختیاری» و تحمل پیامدهای آن رضایت داد و بقول حافظ، آسمان بار امانت نتوانست کشید، قرعه فال بنام من دیوانه زدند و خداوند برای حمل این بار به انسان عقل بخشید.

بدلیل اهمیت زیاد عقل در راهنمایی انسان و تصحیح رفتارهای او در زندگی است که ادیان الهی بدان توجه بسیار کرده اند. علمای دین معتقدند که «عقل» ستون و پایه تکلیف است زیرا تکلیف پیام الهی می‌باشد و این پیام الهی را درک نمیکند مگر کسیکه تعقل و اندیشه کند و معنای آنرا درک نماید و بهمین دلیل از بچه‌های (غیر بالغ) و افراد مجنون، رفع تکلیف و رفع مسئولیت شده است.

در قرآن کریم فعل «عقل» و مشتقات آن بطور خاص حدود پنجاه بار ذکر شده و در بیش از سیصد آیه نیز بطور عام به عقل و مشتقات آن و معانی مختلف آن اشاره شده است.

ابن رشد که از فیلسوفان اسلامی است، میگوید: «کل قرآن دعوت به تفکر،

عبرت گرفتن و آگاه ساختن از شیوه های تفکر و اندیشه است « دکتر احمد ماضی رئیس جمعیت عربی فلسفه میگوید: « قرآن و حدیث با اصرار و تأکید خواستار بکار گیری عقل هستند » و قرآن کریم حتی اعلام کرده کسانی که عقل را کنار میگذارند از انسانیت خود تهی شده و به سطح چهارپایان تنزل کرده اند .

توفیق نویسنده کتاب را که پیش از این کتاب « سه الف » را نگاشته اند ، از ایزد متعال خواستارم .

سید حسین میردامادی

تهران - زمستان ۱۳۸۴ خورشیدی

آغاز سخن

کتابی که آهنگ مطالعه آنرا دارید ، نگرشی است به جهان پیرامون انسان ، بزبان ساده که به هیچ وجه جنبه فلسفی و یا ادبی نداشته و لازم به تجهیز اصطلاحات سنگین فلسفی و آگاهی قبلی از علم فلسفه برای خواننده نخواهد بود .

موضوع کتاب ، معمای هستی و نیستی از کل جهان هستی و بتعبیری (طبیعت) ، جنبش ، حیات ، تکامل ، زمان و اشاره ای به ماوراء الطبیعه و ناشناخته های دور و توجیه در باره جهان پیرامونی انسان همراه با خلاصه ای از نظریات و فتوایهای محققانه اندیشمندان از ابتدای تاریخ تا باامروز ، در باره زیر ساختار جهان هستی و ماهیتهای اولیه آن و نیز اشاره ای به جانیافتگان و مباحثی پیرامون انسان و باور های دیرینه و اعتقادات جانبی بشر از آغاز تا دوران یگانه پرستی ، مطرح میشود ، تا شاید پاسخی باشد به بعضی از ندانستن ها . هرچند نمیتوان به حقیقت مسلمی دست یافت . چراکه انسان خود محاط در داخل جهان و از هستنده های آنست ، ممکن است بتواند هر آنچه در دیدرس باشد ، گمانها و پندارهائی نه بمانند یک حقیقت محض ، بلکه در حد برداشت های عالمانه و محققانه مطرح کند ولی در باره آنچه در نگاره و رؤیتش نیست و یا در باره خارج از پیرامون جهان لایتنهایی که خارج از تصوراتش نیز هست ، دیگر جای حرفی حتی در حد گمان و پندار هم وجود ندارد . البته میتوان از آنچه در باره هستنده های در دسترس که انسان خود در رابطه با آنها است ، به نسبت پیشرفت تکاملی بینش انسان ، حرفهائی برای گفتن وجود داشته باشد .

پیشگفتار

انسان پس از تولد و گذراندن دوران طفولیت، زمان آغاز برانگیخته شدن کنجکاوی‌ها و پرسان‌ها جویان شروع میشود. اولین موضوعی که او را بخود می‌آورد، فناپذیری ممنوعان است که خود نیز جزء آنهاست و یا هر جاندار و گیاهی است که در آنها ظاهراً "حرکت و جان و تکامل مستولی است"، در مییابد که این جان و حرکت ابدی نیست و نیست شونده است. نوجوانیکه تازه ایام نا آگاهی طفولیت خود را سپری کرده، میخواهد بفهمد کی هست، از کجا آمده و بکجا میرود. سپس برمخورده به فلسفه بودن و فضای پیرامونی و ساختار پیکره جهان لایتنهای ناشناخته اش که ظاهراً "جنبه فیزیکی داشته و بصورت فراگیر بر افق محدوده دید و بینشی که تا آن سن پیدا کرده، جلوه گر است. پس از آن موضوع جان، حرکت، تحول، رویش و تکامل در محتوای پیکره جهان، او را متوجه خود کرده و سپس شاهد فناشدن هر جان یافته و آنچه در آن حرکتی هست، میشود و بدنبال آن، تصورات موهوم و و ناشناخته از جهان هستی و خارج از جهان پیرامونی اش است که در اذهانش شکل یافته و تا پایان عمر او را همراهی میکند. دوران جوانی انسان زمانی است که سعی در پرهیز از هر بیم و هراس دوران کودکی و نوجوانی خود را دارد و میکوشد تا با رویاهای شیرین و خیال انگیز خود به جهانی که در آن هست، خوش بینانه بنگرد و دوست دارد با اندیشه های نوین خود، جهان را نگاه کند و دریابد و از اندیشه های زاید پرهیز کند و بسزعم خود خوبترین را برگزیند. در همین دوران است که جوان دچار وسواس و دلهره شده و خود را در یک کلاف سردگم

تنوع گزینه های خود ، دچار بالاترین وندانم اختیاری میابد .
با سپری شدن این دوران و چشیدن طعم دلپذیر آگاهی و عقلانی گرایی
بیشتر ، بمرحله نوین و در عین حال شیرین زندگی همراه با تعقل بیشتر با خواسته
های افزونتر میرسند . در همین زمان است که وابستگی خود را بطبیعتی که فراگیر
پیرامونی اوست ، بیشتر احساس میکند و اینکه او از این طبیعت جدا نبوده و جای
گریزی نیست و همه چیز او در گرو آنست ضمن اینکه معماهای پریش برانگیزش
را همراه دارد .